

آپارتمان نشینی و آشپزخانه در ایران

مرضیه آزاد ارمکی¹

تاریخ دریافت: 91/8/6 تاریخ تایید: 91/11/18

چکیده

امروزه بی توجهی معماران و طراحان به ارزش‌های متفاوت زنانه، غالب‌های جدید غیر قابل انعطافی را تشکیل داده است. وجود آشپزخانه‌های باز در خانه‌ها و آپارتمان‌های جدید جزئی از ساختار واحد مسکونی امروز ایران به حساب می‌آید. این تغییر فضایی پیامدهایی در نظام اجتماعی و روابط انسانی دارد. این مقاله در صدد کاوش تجربه زیست زنان ایرانی در این فضای نوپدید است. این مقاله با بهره‌مندی از روش مصاحبه کیفی تفاسیر زنان تهرانی از این پدیده را بازنمایی می‌کند. زنان موافق مورد مصاحبه دلایلی چون از میان رفتن حریم اختصاصی، نامناسب بودن این سبک معماری با سبک زندگی ایرانیان در زمینه آشپزی و پوشش را عمده‌ترین دلایل مخالفت خویش با این سبک معماری ذکر کرده‌اند. در مقابل زیبایی و به روز بودن و همچنین امکان ارتباط بیشتر با فضاهای دیگر و خانواده از سوی زنان موافق، دلایل مناسب بودن این سبک دانسته شده است. یافته‌های این مقاله ضرورت ارائه مدل‌های معماری متنوع‌تر برای خانه‌های ایرانی را مطرح می‌کند. مدل‌هایی که ضمن دارا بودن ارزش‌های زیباشناختی برای سبک‌های زندگی متنوع زنان ایران، گزینه‌های متنوع‌تر و سازگارتری را عرضه نمایند.

واژگان کلیدی: آشپزخانه، زن ایرانی، حریم، فضای شهری، مسکن.

مقدمه و طرح مسأله

هزاران سال است که خانه انسان در تقارن با دگرگونی سطح تمدنی و شیوه زندگی وی تغییر می‌کند. اروپا در قرون پانزدهم و شانزدهم و هفدهم، در حوزه‌های متعدد تغییرات بسیار زیادی را تجربه کرد. یکی از این حوزه‌ها تغییرات در حوزه فضا و جدا شدن فضای کار از فضای زندگی بود. این تغییرات به زودی در دیگر فرهنگ‌ها نیز تجربه شد. در دوره مدرن با تمایز بین کار مردانه که در خارج از خانه انجام می‌شود و کار زنان که در خانه تعریف شده است، سامان دادن امور خانه از قبیل نظافت خانه، شست‌وشوی لباس، پخت غذا، نگهداری از کودکان و بزرگسالان و به طور کلی مسائلی که با خانه در ارتباط است، برعهده زنان گذاشته شده است. در حالی که جستجوی کار و کسب درآمد بیشتر برای مردان در نظر گرفته شده است. از این رو تقسیم کار جنسیتی و تقسیم جنسیتی فضا متقارن با یکدیگر شکل گرفت. البته در چندین دهه اخیر با افزایش مهارت‌ها و سطح سواد و آگاهی اجتماعی و تغییر در ساختار مشاغل، بسیاری از زنان وارد محیط کار شده و از جامعه تا خانه حضور دارند.

تمایز جنسیتی کار و فعالیت (محیط بیرون که بیشتر مردانه است و داخل خانه زنانه) سبب تقسیم جنسیتی ادارات دولتی، پیاده روها، خیابان‌ها، پارک‌ها، مساجد، بازارها و مساکن شده است. پیاده‌روها و بسیاری از دیگر مکان‌های موجود در شهرها و به طور خاص شهر تهران با توجه به رفتار و توانایی مردان طراحی شده است. بی‌توجهی به زنان در فضاهای عمومی بیشتر دیده می‌شود. اکثر فضاهای شهری به گونه‌ای طراحی شده است که افراد با سرعت حرکت کنند و کمتر جایی برای تامل، حرکت آرام، حرکت دسته جمعی، استقرار و آرامش وجود دارد. خانه سازی، آپارتمان سازی و مساکن شهری کمتر با توجه به عنصر جنسیتی و ملاحظات جنسیتی زنانه طراحی شده‌اند.

گذشته از فضاهای عمومی که مساله جنسیتی و ملاحظات زنانه را از نظر دور داشته است، در فضای خصوصی نیز که در دوره مدرن زنانه تعریف شده است نیز به زنان توجه کافی نشده است در این زمینه این سوال مطرح می‌شود که نقش زنان در شکل‌گیری فضاهای خصوصی‌تری چون خانه چیست؟ آیا صرفاً در نظر گرفتن نیازهای کارکردی است که ما را به یک طراحی مطلوب می‌رساند و یا اعمال نظر و بررسی سلیقه‌ها و تنوع‌طلبی‌ها نیز مطرح است؟

با توجه به حضور بیشتر زنان در خانه ضرورت توجه به ذایقه زنانه در طراحی محل مسکونی بیشتر احساس می‌شود. به لحاظ مفهومی هم این بحث حائز اهمیت است. در مورد خانه که مهم‌ترین فضای معماری مورد استفاده زنان است، آنچنان که شایسته است به نگرش و نیازهای زنان توجه نشده است. در این مقاله ما به بررسی یکی از زنانه‌ترین فضاهای خانه (مطابق

استفاده کنونی و نه بر حسب موافقت یا مخالفت با این امر) که آشپزخانه است می‌پردازیم. دگرگونی سبک آشپزخانه ایرانی موضوع اصلی این مقاله است. این مقاله به دنبال دستیابی به تفسیر زنان تهرانی از فضای آشپزخانه‌های باز است و تلاش می‌کند تا عمده دلایل موافقت و یا مخالفت ایشان را به دست آورد. این دلایل می‌باید در طراحی آشپزخانه توسط معماران ایرانی مد نظر قرار گیرد. پرسش این است که آیا قلب تپنده یک خانه که آشپزخانه آن می‌باشد و فضایی کاملاً زنانه تعریف می‌شود، منحصرأً برای زنان و با توجه به روحیات، خلقیات، فرهنگ، نیازهای حرکتی و جسمی، علائق و کاری که او در حال انجام است، طراحی شده است یا خیر. همچنین آیا بین فضای آشپزخانه که بیشتر زنانه است با فضای کلی خانه که همه اعضای خانه در آن زندگی می‌کنند ارتباطی وجود دارد؟ در این زمینه در نظر گرفتن تفاوت‌های کاربردی میان آشپزخانه‌های ایرانی و فرنگی در جانمایی و فرم آن‌ها ضروری است. نقصان در روند و سیاستی که در طراحی و ساماندهی مسکن و به خصوص در فضایی چون آشپزخانه پیش گرفته شده است، موجب اختلال در روابط انسانی و اجتماعی اعضای خانه و به طور خاص زنان و مردان می‌شود.

برخی، امکان دید و هم صحبتی با دیگر اعضای خانواده که مسلماً هم‌زمان با زن خانه در آشپزخانه حضور ندارند، را به عنوان مزیت این نوع طراحی مطرح می‌سازند، که البته این امر کاملاً پسندیده و مقبول است. ولی آیا این آشپزخانه‌های کاملاً اپن با فرهنگ طبخ، شست و شوی و کاربری‌های آشپزخانه یک زن ایرانی منافات ندارد؟ آیا این گونه آشپزخانه برای یک زن غیرایرانی که مثلث کار او الزاماً در آشپزخانه شامل سه رکن اصلی اجاق، ظرفشویی و یخچال نیست، طراحی نشده است؟ آیا نوع حیات، تعاملات، کارکرد و رفتار یک زن ایرانی و زن غیرایرانی در یک آشپزخانه اپن یکسان است؟ آیا این گونه نیست که او سعی می‌کند با بستن طاق‌های باز آشپزخانه‌اش، حریم و خلوت یک فضای ایرانی را بدان بازگرداند؟

چارچوب نظری

بویز مطرح می‌کند که در کشورهای غربی و اروپایی، بسیاری از پیشنهادهای طرح‌های معماران و برنامه‌ریزان، آشکارا با جنسیت سر و کار ندارند بلکه در عوض از کاسپنت (مفهوم) عملکرد یا غیبت استفاده می‌کنند. البته این موارد عموماً بیشتر بر زنان تأثیرگذار است تا مردان. به علاوه بسیاری از ایده‌های طراحان و برنامه‌ریزان آشکار با مسأله طبقه اجتماعی یا تیپ خانواده یا سن و بی‌توجه به جنسیت است و مجدداً فضاهای طراحی شده به گونه‌ای متفاوت زنان و مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بویز، 1999).

اخیراً کارهای بسیاری در بهبود محیط طراحی و جهت پاسخگویی به نیازهای بهتر زنان انجام

پذیرفته است، هر چند اثرات آن بسیار ناچیز است. در تعدادی از آثار اقتدار محلی گروه‌های زنان و برنامه‌ریز¹ و سرویس طراحی برای زنان²، توصیه‌ای اجرایی برای تمامی امور از جمله طراحی توالت‌های عمومی تا توسعه کردارهای کنترلی، ارائه شده است. این کار با دقت بسیار و با بررسی نیازهای متفاوت گروه‌های متفاوت زنان انجام شده است و صرفاً بر مادر و زن خانه‌دار با عقاید کلیشه‌ای تمرکز ندارد. مسلماً این امر نیازمند تغییرات اساسی‌تر در اجتماع است که هم نقش و سمت و سوی فمینیسم را متأثر ساخته و اهداف واقعیات برنامه‌ریزان، معماران و آکادمیسین‌ها را تغییر داده است (بوینز، 1999).

هر تحلیلی از فضا نیازمند توجه به عنصر زمان است. به طور خاص در مورد خانه که محور این مقاله است. فضاهای خانه از منظر زمان به فضاهای روز، فضاهای خاص شب و فضاهای مشترک تقسیم می‌شود. فضاهای شب شامل اتاق‌های خواب است. فضاهای مشترک فضاهایی چون سرویس‌های بهداشتی را شامل می‌شود و فضاهای روز شامل نشیمن و پذیرایی و فضای آشپزخانه است. آشپزخانه عمدتاً جزو فضاهای مورد استفاده زنان ما در روز است که توجه به جنسیت کاربر و مدت زمان حضور او در این فضا در نوع طراحی و تحلیل اهمیت زیادی دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان فضاهای معماری و پیرامونی را به فضاهای مذکر و مؤنث تقسیم‌بندی کرده‌اند. آن‌ها فضاهای مهربان‌تر، ایمن‌تر و بخشنده‌تر را جزو فضاهای زنانه و فضاهای خشن‌تر و غیرملموس‌تری چون فضاهای کاری و پر جنجال را فضاهای مردانه نامیده‌اند. این موضوع را لاجکمن³ این گونه بیان کرده است که: «از جمله فضاهای جنسیتی، خانه است. خانه برای زن چون مکان و برای مرد همچون پناهگاه می‌باشد» (واجکمن، 1991).

در بخش مقدمه کتاب طراحی و فمینیسم⁴، روت چایلند رزند⁵ مسأله زن در معماری را منوط به رسیدگی به سه مسأله ذیل می‌داند. نخست «زن در معماری»⁶ که به تحقیق روی کارهای فراموش شده معماران می‌پردازد. دوم «آرایش فضایی»⁷ است که روی چگونگی تجربه زنان از فضایی که اشغال کرده و استفاده می‌نمایند، کندوکاو می‌کند. این کار بر روی دو ایدئولوژی به هم پیوسته متمرکز است - زنان و کانون خانواده و ایدئولوژی جایگاهی اجتماعی جدا - سوم «نظریه‌های معماری و جنسیت»⁸ است که به تفاوت‌های زن و مرد و زنانگی و مردانگی از طریق نشانه‌ها و فرم‌ها، می‌پردازد.

1. Women: Planning Group
2. Women's Service
3. Wajcman
4. Design & Feminism
5. Rothschild & Ronser
6. Women in Architecture.
7. Spatial Arrangements.
8. Theories of Architecture and Gender.

با مطالعه بر روی آرایش فضایی فضاهای زنانه، می‌توان به الگوهایی دست یافت که استفاده از چنین الگوهای در خلق و آرایش دیگر فضاهای خاص زنان نیز بسیار مفید خواهد بود. در رفتارهای متفاوت نوشته جوس بویز¹ این گونه ادعا می‌شود که به جای جستجو در تاریخ گتوها و حومه‌ها و مشاهده تفاوت‌ها و شباهت‌های رویدادها در میان گروه‌های متفاوت زنان، همچنان بر روی «تفاوت‌های طراحی» - بر فرهنگ/طبخ/مذهب و عادات و شست‌وشوی آریایی‌ها و «تمایل» بعضی از گروه‌های قومی به داشتن خانواده‌های بزرگ می‌پردازیم (بویز، 1999). و آنگاه است که می‌توانیم فهم خود نسبت به تاریخچه شکل‌گیری محیط ساخته شده را بسط دهیم تا بتوان تاریخچه گروه‌های متفاوت زنان را به حساب آورد. از آنجا که معماری در بیان معانی فرهنگی و نمادین و در چگونگی تعاملات افراد نقش به‌سزایی دارد، می‌توان با استفاده از معماری زنانه نیز به بیان مفاهیم فرهنگی زنان و تعاملات آن‌ها با فضاها صحبت به میان آورد. بسیاری از ارزش‌های فرهنگ و نمادین از طریق انتخاب در مصالح، رنگ، فرم، اندازه، میلان و محیط پیرامون ساختمان بیان می‌شود (اپوپرت، 1990). این دقیقاً همان سلاحی است که یک زن در آفرینش و بازگو کردن خود و بنیاد فرهنگی‌اش به دست می‌گیرد. امروزه بی‌توجهی معماران، مهندسیین و طراحان به ارزش‌های زنانه، غالب‌های جدید غیرقابل انعطافی را پیش روی آنان گذاشته است. البته در طراحی بنا نباید صرفاً متغیر جنسیتی را مد نظر قرار داد، بلکه باید به طبقه اجتماعی، فرهنگ و هویت ملی نیز توجه کرد. به علاوه لازم است به این مساله جهت الگوسازی و باز الگوسازی نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بنگریم، تا آنجا که به کمال فیزیکی در امر جداسازی خانه و محل کار از هم - که زمانی از ارزش‌ها و باورها بوده است - دست یابیم.

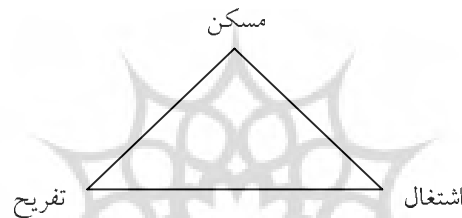
به عنوان مثال در طراحی خانه‌های سبک ویکتورین² برای فعالیت‌های متفاوت، فضاهایی متفاوت موجود است مانند فضایی برای غذا خوردن، پختن، شستن، خوابیدن و عملکردهای رسمی اجتماعی. این طراحی به طور مؤثر تعداد زیادی از فعالیت‌ها را از طریق جنسیت، از هم تفکیک می‌کند. البته این تفکیک طی صد سال گذشته تغییراتی کرده است. خانه‌های امروز رابطه‌ای بسیار برابر طلبانه‌تری با تأکید بر اتاق‌های نشیمن و آشپزخانه این منعکس می‌کنند. این مثال نشان می‌دهد چگونه محیط ساخته شده می‌تواند این گونه گرایش‌ها را دگرگون سازد. این موضوع در تفکیک فضایی زنان و مردان در محل کارشان قابل مشاهده است. برای مثال تقریباً 1/3 زنان در امور تدریس، پرستاری و منشی‌گری اشتغال دارند. این گونه مشاغل به عنوان مشاغل «فضای باز» معروف‌اند که زنان در آن‌ها نسبت به فضای پیرامونی خود، کنترل،

1. Jos Boys

2. مربوط به زمان سلطنت ملکه ویکتوریا: Victorian Style

دانش و خلوت کمتری دارند. در مقابل سمت‌های بالاتر مدیریتی «کار مردانه» پشت درب‌های بسته و با کنترل بیشتر بر فضای اطراف است (واجمن، 1991: 15).

شبانه‌روز بر حسب ساعات و نیازهای انسانی به سه بخش هشت ساعته کار، خواب و تفریح تقسیم شده است. در تقسیم‌بندی کلی فضاهای معماری نیز به سه نوع فضا: فضاهای تفریح و وقت آزاد (شامل بازارها، عبادتگاه‌ها، گورستان‌ها و...)، مسکن و اشتغال اشاره می‌شود. این تقسیم‌بندی در فضاهای شهری به فضاهای رفت و آمد پیاده، فضاهای رفت و آمد سواره و مکث‌گاه‌ها (چون پارک‌ها، میدان‌ها و میدانچه‌ها) منتهی می‌شود. افراد جامعه برحسب گروه سنی و جنسیت خود ممکن است از هر یک از این فضاهای معماری و شهری استفاده نمایند. از تقسیم‌بندی‌های مطرح شده می‌توان به مثلی به عنوان الگو دست یافت.



شکل 1. تقسیم فضاها بر حسب کارکرد

در این الگو، حضور زنان در هر یک از رئوس مثلث بررسی می‌گردد. زن در خانه؛ زن در محل کار و زن در استراحت. همین امر در مورد فضاهای شهری نیز صدق می‌کند که شامل زنان و اضلاع مثلث می‌شود یعنی هر فضای شهری که حد فاصل فعالیت‌های میان مسکن و اشتغال است در نوع خاصی از فضا با زن ارتباط برقرار می‌کند. (این مساله در مورد دیگر اضلاع و رابطه‌شان با زن به همین منوال است.)

آشپزخانه به عنوان قطب‌خانه، دارای یک سری ارکان اصلی و معیارهای خاص است. از جمله داشتن نور کافی جهت کار، داشتن دید و منظری مناسب و رعایت مثلث آشپزخانه به منظور گردش (سیرکولاسون) صحیح و عدم ایجاد تداخل در روابط کاری در این فضا. به علاوه جایابی آن در خانه نیز از آن جهت که بر روابط اجتماعی اعضای خانه تأثیرگذار است. باید مورد توجه قرار گیرد. در خانه‌های سنتی ایرانی، آشپزخانه‌ها همواره در کورترین و دور از دسترس‌ترین نقطه خانه واقع شده بود. گذشتن از یک دالان و سپس رسیدن به آشپزخانه، فضایی امن، خلوت و خصوصی برای خانم ایجاد می‌نمود. این نوع مکان‌یابی به دلیل حریم و فواصل آن روزگاران، جوابگوی مناسبی به نظر می‌آمد. امروزه با توجه به فعالیت‌های همزمان مردان و زنان در مجامع عمومی، از نظرها دور نگاه داشتن آشپزخانه به پنداشت عموم مردم، عجیب می‌نماید.

وجود فضاهایی کاملاً باز در مرکز خانه بدون در نظر گرفتن یک حریم یا پوسته دور آن از ویژگی‌های آشپزخانه‌های امروزی است. فضای آشپزخانه مانند سیستم «فضای باز» در اداره‌ها که هدفشان تأمین امنیت در زنان است، تشکیل شده است. در حالی که مسأله امنیت زنان در خانه‌هایشان مطرح نیست. باربارا کوپر¹ این گونه ادغان می‌کند که اندیشه و تفکر روی چگونگی حرکت زنان در یک فضا، به جای تمرکز روی کاراکتر آن فضا، به تئورسین‌های فمینیست امکان پاسخگویی به معضل نقش زنان را می‌دهد (کوپر، 1997) بهتر است نقادانه محیط‌های حاصل را در ارتباط با گروه‌های متفاوتی از زنان و مردان بررسی کرده و با نگاهی به نحوه استفاده زنان و مردان متفاوت به لحاظ کمی و کیفی از این محیط‌ها، به نتایج مطلوبی برای طراحی دست یابیم.

بررسی جنسیت در بهره‌گیری از فضاهای مصنوع و یا به تعبیری انسان آفرید²، موضوعی است که همواره در کشورهای توسعه یافته مورد توجه بوده است و کتاب‌های بسیاری نیز حول این مسأله با نگرش به ابعاد گوناگون بهره‌گیری از فضا، نوشته شده است. دولور هایدن³ در مقاله «راه‌های جدید زندگی»⁴، تعدادی معمار، روزنامه‌نگار، اقتصاددان مسائل خانوادگی، جامعه‌شناس و آنارشیست را دور هم جمع کرد تا هر یک فضاهای زندگی گوناگونی خلق کنند و تأثیر چگونگی رفتارهای جنسیتی چون عاملی معناداری روی خلق محیط، نشان داده شود. دیگرانی چون آدامز و تانکرد⁵ روی این موضوع که چگونه زنان معماری را چه به لحاظ محصول و چه به لحاظ فرآیند متناسب با اولویت‌های خود شکل می‌دهند، بحث می‌کند (هایدن، 198: 1999). در کشور ما نیز ضروری است تا به ملاحظات جنسیتی در طراحی فضا توجه بیشتر مبذول شود و به ویژه نظریات استفاده‌کنندگان در طراحی فضاها مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش

استراتژی ما در این مقاله استفهامی است (بلیکی، 1384) و از روش کیفی و تکنیک مصاحبه استفاده شده است. در این پژوهش هدف نه تعمیم آماری بلکه دستیابی به تنوع دیدگاه‌ها و تفاسیر درباره پدیده مورد مطالعه بوده است. تکنیک مورد استفاده مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده و نمونه‌گیری تا دستیابی به «اشباع نظری» ادامه یافته است. از این رو تا آنجایی که اطلاعات جدیدی درباره پدیده مورد بررسی به دست می‌آمد ادامه یافت. مصاحبه شونده‌گان از قشرهای مختلف زنان و به ویژه از محلات و طبقات اجتماعی مختلف برگزیده شده‌اند و به

1. Barbara Cooper
2. Built Environment
3. Dolores Hayden
4. New ways of habitation
5. Anne marrie Adams and Peta Tancred

جهت سن، تحصیلات، وضعیت مذهبی و نوع سبک زندگی متفاوت بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش

طی مصاحبه‌هایی که با تعدادی از بانوان خانه‌دار و شاغل صورت گرفته است، مجموعه دلایلی برای مخالفت و یا موافقت آن‌ها نسبت به وضع موجود آشپزخانه‌هایشان ذکر کرده‌اند. مهم‌ترین مزایایی که زنان بدان اشاره می‌کنند؛ عبارتند از بهبود وضع زیبایی شناسی خانه، وسعت دید و افزایش میزان روشنایی در فضا. دلایل اصلی مخالفت آن‌ها با آشپزخانه‌های این نیز به سه دسته قابل تقسیم است. این دلایل شامل مسأله دینی و مذهبی زن ایرانی، پیچیدن بوی غذا و پخش شدن چربی در خانه و دست یازی به حریم و فضای خصوصی زن در آشپزخانه، است. در این بخش ابتدا نظریات مخالفین و سپس موافقین را ذکر می‌کنیم.

یکی از دلایل شکایات زنان از وضعیت فعلی آشپزخانه مسأله محرمیت‌ها است. در میان زنان ایرانی چه با عرق مذهبی و چه بدون آن همواره حفظ حریم‌ها مهم بوده است و در دوران‌های تاریخی متفاوت با عناصر (پیشینه) گوناگون مشخص گردیده است. این حریم گاه با فضاهای پیچ در پیچ، گاه باراهروهای تنگ و تاریکی که منتهی به آشپزخانه می‌شد، گاه با تعریف اندرونی و بیرونی از فضاها و در بسیاری موارد تنها با یک پرده معین می‌گردد. هر یک از این روش‌ها البته معایبی دارند. لیکن نبود آن حریم خود می‌تواند به عنوان بزرگترین مشکل تعریف گردد. این چیزی است که عده ای از زنان آن را مطرح می‌کنند.

برای نمونه فاطمه چهل و یک ساله ساکن خیابان معلم در منطقه هفت تهران، روزانه شش الی هفت ساعت را در فضای آشپزخانه سپری می‌کند و به کارهایی چون پخت و پز، شست و شو، جابجایی ظروف و استفاده از یخچال می‌پردازد. او اغلب در کنار ظرف شویی و گاز این زمان را می‌گذارد و با وجود داشتن پنجره در آشپزخانه از کوچک بودن فضای آشپزخانه و نبود دید مناسب در مقابل پنجره، نارضایتی خود را اعلام می‌کند. در آشپزخانه او پنجره صرفاً عملکرد ورود روشنایی به داخل را دارد و منظره دیدنی را فراهم نمی‌سازد. او همچنین درباره موقعیت قرارگیری آشپزخانه‌اش در خانه می‌گوید: «اگه اونو (آشپزخانه را) جای بالکون می‌گذاشتن، می‌تونستم بیرون رو ببینم.» او به دلیل مشرف بودن آشپزخانه‌اش از سمت خیابان مجبور است تقریباً تمام مدت آن را بسته نگاه دارد در حالی که اگر آن را با بالکن عوض کند آشپزخانه‌اش رو به حیاط بوده و می‌تواند ضمن حفظ محرمیت از نور و دید مناسب نیز برخوردار شود. او به طور نسبی از آشپزخانه چهار متری خود احساس رضایت می‌کند و در صورت داشتن آشپزخانه وسیع تر مایل است در آن لباسشویی، میز نهارخوری و دکوری شیشه‌ای قرار دهد. او آشپزخانه را صرفاً «محل زحمت کشیدن زنان از صبح تا شب» می‌داند.

رفعت چهل و پنج ساله ساکن دولت و خانه‌دار آشپزخانه بسته شش متری خود را می‌پسندد. او شدیداً با آشپزخانه این مخالف است و آن را مزاحم خلوت زن می‌داند. او معتقد است «آشپزخانه محل آرامش است» و این آرامش را در گرو بسته بودن فضای آشپزخانه می‌داند. او در طول هفت ساعت کار آشپزخانه، به رادیو نیز گوش می‌دهد و در آشپزخانه چای می‌نوشد و بخاطر نور مناسب، گاهی روزنامه هم مطالعه می‌کند. او زمان زیادی را پای گاز و ظرفشویی می‌گذارد که به نظر او با وجود کوچک بودن آشپزخانه و قرار داشتن میز نهار خوری کوچک، استفاده از آن‌ها آزار دهنده نیست. او مایل بود آشپزخانه‌اش علاوه بر نور، دید به بیرون هم داشت و می‌توانست میز نهارخوری چهار نفره‌اش را به شش نفره تبدیل کند.

دلایل مذهبی از جمله دیگر دلایل مخالفت برخی زنان با این سبک معماری است. این شاید یکی از اولین و پر اهمیت‌ترین اشکالاتی است که زنان ایرانی باحجاب به آشپزخانه‌های این وارد می‌آورند. اکثر خانم‌های مصاحبه شونده لا به لای صحبت‌هایشان به مسأله سختی در کار آشپزخانه این باحجاب اسلامی اشاره کرده‌اند و حتی عده‌ای این نوع آشپزخانه‌ها را صرفاً مختص زنان مدرن بی‌حجاب مناسب دیده‌اند. البته هستند نیز کسانی که با وجود پایبندی به حجاب اسلامی آشپزخانه‌های این را خوشایند می‌یابند و دلیل شان مدرن جلوه کردن خانه و امروزی بودن فضا است. نمونه‌های زیر جالب توجه هستند:

شهناز پنجاه و پنج ساله که به مدت بیست و سه سال در خانه‌ای در جنت آباد با آشپزخانه‌ای هجده متری و بسته زیسته است، اکنون آپارتمانی با آشپزخانه این زندگی می‌کند. او که در خانه قبلی‌اش از پاسیو برای نورگیری آشپزخانه‌اش استفاده می‌کرد، اکنون از داشتن خانه‌ای با آشپزخانه رو به کوچه احساس رضایت‌مندی می‌کند و درباره آشپزخانه این‌اش می‌گوید: «مدام باید نگران قابلمه‌ها و دیگ مسی روی گازم باشم که مبادا کسی از داخل مهمان‌خانه آن را ببیند. با چادر کادر در آشپزخانه برایم سخت‌تر شده و نمی‌تونم مثل قبل فرزندم را کار کنم». او که در آشپزخانه به کار نظافت و آشپزی می‌پردازد، همزمان به رادیو گوش می‌دهد. او که به بزرگی، نور و نظافت آشپزخانه بسیار بها می‌دهد، می‌گوید: «اگر آشپزخانه خوب داشته باشید، سلامتی هم دارید». با خانمی دیگر صحبت می‌کنیم. او کودکی یک ساله دارد. رضایت او نسبت به آشپزخانه این فقط به جهت امکان کنترل کودک‌اش است. او که زنی معتقد است به دلیل مسأله محرمیت و حجاب تنها راه حل را در مسدود کردن فضای باز آشپزخانه با دکور شیشه‌ای یافته است. و همین موضوع نکته مثبت آشپزخانه این را در نظر او خدشه‌دار کرده است. او که شاغل است آشپزخانه را فضایی در کنار دیگر فضاهای خانه می‌داند که به قول او نباید: «با رفتن داخل آن دست و پام از باقی کارها بسته شود». او دیگر امکان کنترل کودک‌اش را از داخل آشپزخانه ندارد و دلیل آن فقط به خاطر بستن این آشپزخانه جهت حفظ محرمیت ایجاد شده است (مریم، 25

ساله تهران).

خانم چهل و پنج ساله خانه‌داری که خانه‌شان را خودشان ساخته‌اند، از کار کردن در آشپزخانه باز، نارضایتی نشان می‌دهد و می‌گوید: «اگر یکبار دیگر اینجا را می‌ساختیم حتماً آشپزخانه را بسته طراحی می‌کردیم. اون زمان همه آشپزخانه‌هایشان این بود، چون این طوری مد بود، بچه‌ها گفتن بهتر. ولی من اصلاً دوست ندارم. اصلاً محفوظ نیست. چون خانم‌ها اکثر وقتشون تو آشپزخونه‌ست، باید فضا بزرگ‌تر و محفوظ‌تر باشد.» توران خانم روزی پنج الی شش ساعت در آشپزخانه کار می‌کند و به گفته خودش کنار کار آشپزی، تلویزیون که داخل هال است را نیز تماشا می‌کند. او می‌داند این از مزایای این بودن آشپزخانه است، لیکن ترجیح می‌دهد، در هنگام مهمانی و پذیرایی از آن‌ها آشپزخانه‌اش محفوظ‌تر باشد تا او احساس معذب بودن نکند. آشپزخانه او دید به حیاط خلوتی دارد. او از آن راضی است و می‌گوید: «نور کافیه. دید به بیرون و پنجره توی آشپزخونه دید داره ومن اون طوری راحت نیستم.»

از دیگر عیوب این نوع آشپزخانه‌ها که شاید تنها در زندگی شرقیان و به خصوص ایرانیان که آداب و رسوم پخت و پز خاص و غذاهای سرخ کردنی و بودار بسیاری دارند، ملموس‌تر باشد. رسوم پخت و پز در ایران با کشورهای غربی بسیار متفاوت است. غذا، مهمان و زمان گذاشتن به صورتی که زن ایرانی آن را در آشپزخانه تجربه می‌کند، در غرب نامحسوس می‌باشد. در فرهنگ ایرانی، آشپزخانه تنها محلی برای مخلوط کردن دو ماده غذایی و باز کردن غذاهای کنسرو شده نیست، بلکه محدوده‌ای است برای گذران وقت اعضای خانواده و بالاخص زن خانه. همین موضوع جا باز کردن آشپزخانه این را در میان فرهنگ ایرانی کمی سخت‌تر نموده است. سعبده هشت سال است در آپارتمان نود متری خود در خیابان خیام زندگی می‌کند، با وجود گذراندن تنها دو ساعت از وقت روزانه‌اش در آشپزخانه، از آشپزخانه ده متری خود به طور نسبی رضایت دارد و دلیل آن را این گونه ذکر می‌کند که: «آشپزخانه من اینه و من مجبورم گازم رو کنار این یعنی نزدیک هال بذارم و تمام مدت باید نگران چربی و کثیفی باشم. در ضمن چون زیر پنجره آشپزخونم کابینت زده شده، نمی‌تونم بیرون رو ببینم و برای دیدن کوچه باید برم روی کابینت. ولی حداقل نور آشپزخونم خوبه.» او پیشنهاد می‌کند در صورت امکان آشپزخانه‌اش که در حال حاضر در شمال خانه است به جنوب خانه منتقل شده و جلوی آن بالکان قرار می‌گرفت. او در آشپزخانه غذا می‌خورد، تلفن صحبت می‌کند و در صورت داشتن آشپزخانه ای بزرگ‌تر میز نهارخوری بزرگتری می‌گذاشت تا مجبور نباشد بخاطر حرکت در آشپزخانه صندلی‌ها را جابجا کند. او با خنده می‌گوید: «آشپزخانه قلب تپنده خانه است.»

دختری بیست و هشت ساله و تازه عروس با وجود زیبا بودن آشپزخانه این‌اش، از اینکه مجبور است نیمی از وقت خود را صرف تمیز کردن و زدودن چربی‌ها از روی کابینت‌هایی کند که

جزئی از حال و فضای مهمان خانه است، ناخشنود می‌باشد. او می‌گوید: «وقتی مهمون دارم تمام مدت نگران پیچیدن بوی غذا در خانه‌ام. سرخ کردن و داغ کردن روغن برابیم عذاب‌آورترین بخشه. این کارها رو همیشه چند ساعت قبل انجام داد. باید لحظه سرو غذا انجام شن. اگر آشپزخانه در داشت، در را می‌بستم و پنجره رو باز می‌کرد. تازه منام ظرف‌های کثیفم را باید روی زمین بنارم تا از داخل حال معلوم نشن» (مهری، ساکن نازی آباد).

ناهید سی و سه ساله، معلمی است که مجبور است هرروز صبح قبل از رفتن به محل کار نهار و کار آشپزی‌شان را انجام دهد. او از پخش شدن بوی نهار در هنگام صبح در سراسر خانه ناراحت است، این آشپزخانه‌ها را نقد می‌کند. او آشپزخانه را محل دور هم جمع شدن اعضای خانواده به بهانه غذا خوردن می‌داند و آشپزخانه خود را به طور نسبی می‌پسندد (ناهید، ساکن صادقیه). در روند پژوهش این طور به نظر می‌رسد که مزایای آشپزخانه‌های این از معایب آن‌ها بیشتر و مورد توجه‌تر است؛ ولیکن باید این نکته را نیز در نظر داشت که این آشپزخانه‌ها به چه میزان برای فرهنگ و مذهب مردم ایران، درخور توجه و مناسب است. زنان موافق این سبک نیز دلایلی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترینشان در قالب سه دسته قابل طبقه‌بندی است. این دو دسته عبارتند از:

- 1) وسعت دید و افزایش میزان روشنایی
 - 2) بهبود جنبه زیبایی شناسی خانه و شبیه بودن آن به خانه‌های مدرن
 - 3) امکان ایجاد ارتباط بهتر از آشپزخانه با دیگر اعضای خانواده
- برای نمونه مریم ساکن منطقه فرمانیه تهران، زنی جوان و بسیار اهل مهمانی است. او آشپزخانه‌ای این دارد که نورگیری‌اش از پنجره‌ای است که رو به حیاط است. او به غیر از کارهای آشپزخانه و نظافت گاهی از داخل آشپزخانه تلویزیون نگاه می‌کند و مزیت آشپزخانه‌اش را در امکان صحبت با مهمان‌های هنگامی مهمانی‌می‌داند. او می‌تواند حین انجام دادن کارهای آشپزخانه و سرو کردن غذا با آن‌ها در ارتباط باشد. او احترام به مهمان را در گرو صحبت با او می‌داند و آشپزخانه‌های امروزی این امکان را در کنار انجام کارهای آشپزی فراهم می‌آورد.

نسرین سی و یک ساله ساکن منطقه پنج تهران است و مایل است آشپزخانه بسته‌اش را به آشپزخانه این تبدیل کند. او که به طور متوسط روزی دو ساعت در آشپزخانه کار می‌کند از این فضا تنها برای آشپزی استفاده می‌کند و می‌گوید: «غیر از آشپزی، هیچ کاره دیگه ای باه‌اش نداریم. دوست داشتیم آشپزخانه این باشد تا بتونم تمام خونه را تحت نظر داشته باشم. الان فضا بسته است و جلوم رو نمی‌بینم.» نور آشپزخانه‌اش از طریق حیاط خلوت تأمین می‌شود و نور نسبتاً مناسبی دارد. او ترجیح می‌داد پنجره‌های رو به خیابان داشت. او از اینکه دیگران

آشپزخانه‌هایی اپن دارند و می‌توانند فرزندشان را که در حال بازی می‌کند، نگاه کنند، با همسرشان صحبت کنند و به وظایفشان برسند، غبطه می‌خورد و می‌خواهد در انتخاب خانه بعدی به این مسأله دقت کامل داشته باشد.

طیبه ساکن منطقه هفده، پنج سال است در این آپارتمان زندگی می‌کند. آشپزخانه شش متری کوچکی دارد ولی با این وجود پنجره، نورگیر و تهویه مناسبی برای آن در نظر گرفته شده است. تنها تعداد کابینت‌هاست که رضایت او را جلب نکرده است. او که آشپزخانه را محلی برای خیلی کارها می‌داند، از آشپزخانه کوچک‌اش تلویزیون هم نگاه می‌کند. «خوبی آشپزخانه‌ام این است که دید خوبی دارد. من این رو دوست دارم چون به نظرم مدیریت کردن خانه از داخل آشپزخانه انجام می‌شه. وقتی دخترم تکالیفش را انجام می‌ده من هم کارهای خودم رو انجام می‌دم و اگر لازم شد از من سوالاتش رو می‌کنه. چون آشپزخونه ما کوچیکه داخل اون غذا نمی‌خوریم. دوست داشتم می‌تونستم میز بذارم تا با بقیه اعضای خانواده داخل آشپزخونه بنشینیم.»

جنبه دیگری که اکثریت جمعیت مصاحبه شونده زنان به آن اشاره کرده‌اند و به قول آن‌ها مد بودن آشپزخانه‌های امروزی است. در اینجا زمینه تاکید بر زیبایی شناسی و فرم مدرنی است که آشپزخانه‌های اپن دارا می‌باشند.

خانم ساناز زنی مدرن که شوهری کابینت ساز دارد، بسیار از وضعیت اپن بودن آشپزخانه‌اش خوشحال می‌باشد و تنها ایراداتی که او به آشپزخانه‌اش می‌گیرد سنگی بودن سطوح روین کابینت‌هاست که به قول او: «استفاده از زعفران و ابلیمو و ریختن آن روی سنگ، سنگ را خراب می‌کند. آشپزخانه من و بسیاری از آشپزخانه‌های امروزی نور مناسب دارند. چون آرک‌های خیلی زیبایی آشپزخونه را باز کرده و روبه مهمان می‌کند. من آشپزخونه‌ام رو دوست دارم چون جدیده و می‌تونم زیر قسمت این کابینت ببرم و از این به عنوان میز نهارخوری استفاده کنم. به نظر من آشپزخونه فقط محل پخت غذا نیست. زن‌ها خیلی از وقتشون رو توی اونجا می‌گذرونن. من خیلی تو آشپزخونه می‌شینم و با تلفن صحبت می‌کنم. وقتی هم که مهمون دارم می‌تونم خیلی راحت با اون‌ها ارتباط برقرار کنم. ولی می‌دونم که خانواده‌های مذهبی خیلی در این آشپزخونه‌ها معذب‌اند. سرجمع آشپزخونه این خیلی قشنگه و کاشی‌ها و کابینت‌های خوشگلی که داخل آشپزخونه ست از داخل پذیرایی معلومه» (ساناز، 40 ساله، ساکن دولت). یک نمونه دیگر از زنان موافق با این سبک راضیه بیست و هشت ساله است. وی معتقد است که «آشپزخونه خونه زنه و بیشتر فعالیت‌های خانم در آنجاست و چون محل استقرار خانم‌ها تو آشپزخونه ست باید خیلی دلنشین باشه. اونا تمومه زمانشون رو داخل اینجا می‌گذرونن. آرک‌های آشپزخونه‌ها زیباست.» او هر چند از معایب آشپزخانه‌های اپن زیاد صحبت می‌کند. این گونه نظر می‌دهد که «این آشپزخونه‌ها به زیبایی خونه اضافه می‌کنه. آشپزخونه‌های الان از لحاظ زیبایی خیلی خوب ان. در صورتی که خوب طراحی شن. نورشون خوب باشه و کابینت‌ها قشنگ باشن.» او می‌داند

که خانواده‌های با حجاب با این آشپزخانه‌ها مشکل دارند و لیکن می‌گویند: «برای جوان‌های امروزی که زیاد مهمان ندارند، این آشپزخانه‌ها خیلی مشکل ساز نیست.» او حتی در آخر یادآوری می‌کند که هستند آشپزخانه‌هایی که در عین حال که این هستند دید مستقیم به داخل پذیرایی و نشیمن ندارند.

نتیجه‌گیری

فضا و سبک زندگی تأثیری متقابل بر یکدیگر دارند و تغییرات یکی بر دیگری نیز تأثیرگذار است. دگرگونی در سبک زندگی، فضا را متحول می‌کند و تغییرات فضایی سبک زندگی را متأثر می‌سازد. از این منظر دگرگونی در سبک آشپزخانه ایرانی هم معلول و هم عامل دگرگونی در سبک زندگی است. اگرچه جنبه معلول بودن آن بر علت بودن آن چیرگی دارد.

دگرگونی در سبک معماری آشپزخانه ایرانی متأثر از فرایندهای جهانی شدن است. اگرچه سبک نوپدیده این تا حدودی متقارن با از میان رفتن برخی ویژگی‌های سبک زندگی سنتی ایرانی به ویژه در زمینه‌هایی چون میزان مهمانی‌ها، حریم و حجاب و... بوده است، لیکن این مساله در میان اقشار مختلف زنان به یکسان نبوده است. از این رو رواج کامل این سبک به عنوان تنها الگوی رایج در معماری نوین ایران قابل تأمل است.

مد بودن این نوع آشپزخانه در نظر مصرف‌کننده آن را زیبا جلوه می‌دهد. در کنار این امر روشنایی بهتر و امکان ارتباط بهتر با اعضای خانواده که در دیگر فضاها هستند از جمله عوامل ترغیب‌کننده به این نوع آشپزخانه در میان زنان است. لیکن نباید از نیازها و نگرش‌های برخی از زنان ایرانی که این سبک چالشی برای سبک زندگی ایشان ایجاد می‌نماید، غافل بود. معماران و طراحان می‌باید با شناخت کارکردهای آشپزخانه برای ایشان و همچنین سبک زندگی خاص و دغدغه‌های ایشان بر تنوع سبک‌های آشپزخانه در ایران بیافزایند و طراحی‌های نوینی در این زمینه عرضه نمایند.

منابع

- بلیکی، نورمن (1384) «طراحی پژوهش‌های اجتماعی»، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی.
- لینچ، کوین (1383) «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- Domosh, Mona, Joni K. Seager (2001), *Putting Women in Place*, Guilford Press
- Floyd, Janet (2004), Coming out of the kitchen: texts, contexts and debates, *Cultural geographies* Vol. 10: 61-73
- Green, Eileen and Carrie Singleton (2006), Risky Bodies at Leisure: Young Women Negotiating Space & Place, *Sociology* Vol. 40; 853
- Hayden & Wright, *Signs* (1976)
- Hayden, Dolores (1999), *New ways of habitation*
- Jos Boys (1999), *Built Environment, "Women And the designed Environment: Dealing with difference*, Built Environment Publication
- Cooper Barbara (1997), "Gender, movement, and history: social and spatial transformations in 20th century Maradi, Niger" *Environment and Planning: Society and Space*
- Llewellyn, Mark (2004), Designed by women and designing women: gender, planning and the geographies of the kitchen in Britain 1917-1946, *Cultural Geographies*
- Rajiv C. Shah, *How Architecture Regulates*, University of Illinois-Chicago Department of Communications
- Rapoport, A. (1990), *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*. Tucson, AZ: University of Arizona Press
- Rothschild Joan & Rosner (1999), *Design and Feminism: Re-visioning Spaces, Places, and Everyday Things*
- Sherry Ahrentzen (2003), *The space between the studs: Feminism and Architecture*, *Signs*. 29 (1): 179-206.
- Sparke, Penny (2004), *Le Corbusier: Architect and Feminist*, Wiley Academy
- Wajcman, J. (1991), *Feminism Confronts Technology*, University Park: Penn State Press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی